

واکاوی تطبیقی جامعه‌شناسانهٔ تقدم و تأخر سرمایه‌های زن در رمانهای رؤیای تبت (فریبا وفی) و دفترچهٔ ممنوع (آلبا دسس‌پدس) (بر اساس نظریهٔ سرمایهٔ پیر بوردیو)

طیبه حاجی محمدی^۱، ساره زیرک^{۲*}، مهرداد نوابخش^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۳، صفحات ۴۵-۶۱

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۲۱۴

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: تحلیل جامعه‌شناسی انواع سرمایه‌ها را در آرای تئوری‌پردازانی همچون بوردیو میتوان دید. در تعریف بوردیو علاوه بر سرمایه اقتصادی انواع دیگر سرمایه نیز اهمیت بسزایی دارد که عبارت است از: سرمایه فرهنگی، اجتماعی، نمادین و اقتصادی. این مقاله با نگاهی به سرمایه‌های شخصیتهای زن در رمانهای «رؤیای تبت» از فریبا وفی و «دفترچه ممنوع» از آلبا دسس‌پدس، به بررسی تطبیقی میزان اثرگذاری تقدم و تأخر سرمایه‌ها بر یکدیگر در واکاوی سرمایه‌های زن میپردازد.

روش مطالعه: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: این مقاله نشان میدهد در مقایسهٔ جامعه‌شناسی و با تکیه بر عنصر سرمایهٔ این دو اثر، کنشگرهای سرمایه‌های شخصیت زنان چگونه بروز و ظهور میکند. نتیجهٔ پژوهش در قیاس بین سرمایه‌های راوی دو رمان، تقدم سرمایه‌های فرهنگی زنان رمان رؤیای تبت را نسبت به رمان دفترچهٔ ممنوع بر ملا میسازد که سرمایهٔ متأخر اقتصادی (در سایه و حمایت مردان، بصورت حقوق یا ارثیه) و نمادین (یعنی عشق و احترام به ساحت مادری) را به شکلی کمرنگ برای آنها رقم میزند.

نتیجه‌گیری: در حوزهٔ سرمایهٔ اجتماعی نیز زنان دو رمان از تنها سرمایهٔ متقدم اجتماعی (روابط همسری و مادری) برخوردارند که بازتولید مثبتی ندارد و شخصیت اصلی رمان رؤیای تبت، این سرمایهٔ اندک را نیز از دست میدهد و بجای آن سرمایهٔ نمادین متقدم عشق را کسب میکند. از آنجاکه در رمان وفی دو شخصیت شیوا و شعله از سرمایهٔ فرهنگی و اجتماعی نسبتاً بالایی برخوردارند، در قیاس با رمان دسس‌پدس در بررسی تقدم سرمایه‌ها، سرمایهٔ اجتماعی و نمادین بیشتری را بازتولید میکنند؛ درحالیکه در رمان دسس‌پدس در برخورداری از انواع سرمایه‌ها، سرمایهٔ متقدم آنها (سرمایهٔ فرهنگی و اجتماعی) کمرنگی است که به بازتولید مثبتی نمی‌انجامد. بررسیها نشان میدهد وجود سرمایهٔ متقدم فرهنگی و اجتماعی از عوامل مهم افزایش سرمایهٔ متأخر نمادین و بدنیاال آن سرمایه‌های اقتصادی متأخر است.

تاریخ دریافت: ۱۴ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۱۶۵ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۲۷ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

جامعه‌شناسی، تطبیقی، سرمایه، بوردیو، زنان، فریبا وفی، آلبا دسس‌پدس.

* نویسنده مسئول:

Sare.Zirak@gmail.com ✉

۴۴۸۶۵۱۵۴ (+۹۸ ۲۱) ☎



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Sociological Comparative Analysis of the Priority and Delay of Female Capital in Tibetan Dream Novels (Fariba Vafi) and The Forbidden Booklet (Alba Despodes) (Based on Pierre Bourdieu's theory of capital)

T. Haji Mohammadi^۱, S. Zirak^{۱*}, M. Navabakhsh^۲

^۱- Department of Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

^۲- Department of Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۲ February ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۶ March ۲۰۲۱

Revised: ۱۷ March ۲۰۲۱

Accepted: ۰۷ May ۲۰۲۱

KEYWORDS

Sociology, Comparative, Capital, Bourdieu, Women, Fariba Vafi, Alba Despodes

*Corresponding Author

✉ Sare.Zirak@gmail.com

☎ (+۹۸ ۲۱) ۴۴۸۶۵۱۵۴

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Sociological analysis of capital types can be seen in the views of theorists such as Bourdieu. In Bourdieu's definition, in addition to economic capital, other types of capital are also very important, which are: cultural, social, symbolic and economic capital. This article looks at the effects of female precedence and latency on each other in the analysis of female capital by looking at the capitals of female characters in novels The Tibetan Dream and The Forbidden Book.

METHODOLOGY: This research was conducted by descriptive-analytical method.

FINDINGS: This article shows how societal activism of women's assets emerges in sociological comparison and relying on the capital element of these two works. The result of the study, comparing the narrator's capitals of the two novels, reveals the precedence of the Tibetan dream women's cultural capitals over the Forbidden Book of Novels, which is a late economic capital (in the shadow and support of men, as rights or inheritance) and symbolic (ie love and respect for Mother figure) in a small way for them.

CONCLUSION: In the field of social capital, women in the two novels have only the first social capital (marital and maternal relations) which does not have a positive reproduction and the main character of the Tibetan dream novel loses this small capital and instead loses the symbolic capital of love. Earns. Since in the novel Vafi the two characters Shiva and Sholeh have relatively high cultural and social capital, they reproduce more social and symbolic capital in the study of the precedence of capitals in comparison with the novel Despespeds; While in the novel Despodes, in having different types of capitals, their early capital (cultural and social capital) is small, which does not lead to positive reproduction.

DOI: [1۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۲۱۴](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.7214)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۳	 ۰	 ۰

مقدمه

جامعه‌پذیری عبارت است از مجموعه‌ای از سازوکارها که بواسطه آنها، افراد مهارت روابط اجتماعی را می‌آموزند و هنجارها، ارزشها و باورهای اجتماع را جذب میکنند. «پیر بوردیو»^۱، جامعه‌شناس مطرح معاصر، در نظریه «سرمایه»^۲ خود چهار نوع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) را بررسی کرده است. «مفهوم چندوجهی سرمایه که به همت بوردیو پردازش شده به ما امکان میدهد به وجهی از بازنمایی مناسبتری از ساختار، نظام روابط و بستگیها، در هر فضای اجتماعی دست یابیم» (واژگان بوردیو، شویره و فونتین: ص ۱۰۰). در پژوهشهای پیش از این مقولات مختلفی مانند نقد فمینیستی، نقد اخلاقی و جامعه‌شناسی زمینه‌های طلاق عاطفی در شخصیت‌های زن رمان رؤیای تبت واکاوی شده است و دفترچه ممنوع را نیز از منظر مؤنث‌نگری بررسی کرده‌اند ولی از منظر تقدم و تأخر سرمایه‌ها و چگونگی تأثیر سرمایه متقدم و متأخر تحقیقی انجام نشده است؛ بررسی جامعه‌شناسی رؤیای تبت از وفی و دفترچه ممنوع از دس‌پدس، بویژه در مقوله پردازش به تقدم و تأخر سرمایه‌های «زن» دارای اهمیت است. بنابراین موضوع این پژوهش با تحلیل مقایسه‌ای سرمایه‌های شخصیت زن از نظر سطح و میزان «سرمایه اقتصادی»^۳، «سرمایه اجتماعی»^۴، «سرمایه فرهنگی»^۵ و «سرمایه نمادین»^۶، نگرشهای نوینی را در این عرصه با مطالعات بینارشته‌ای تبیین میکند. سؤال این است که در مقایسه جامعه‌شناسی این دو اثر از دو نویسنده و با تکیه بر عنصر سرمایه، کنشگری سرمایه‌های شخصیت زنان چگونه بروز و ظهور میکند؟ عنصر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی متقدم در شکل‌گیری و بازتولید سرمایه‌های اقتصادی و نمادین نوین و متأخر در شخصیت زنان رمان چگونه نمود مییابد و آیا بین تقدم و تأخر سرمایه‌های شخصیت زنان رمان از منظر جامعه‌شناسی نظریه سرمایه‌ها اشتراک یا تقابلی وجود دارد؟

سابقه پژوهش

مقاله و پایان‌نامه‌های موجود درمورد آثار (وفی و دس‌پدس) عبارتند از: پایان‌نامه کارشناسی ارشد از سودابه فریدی (۱۳۹۹) با عنوان «نقد فمینیستی رمانهای پرندۀ من و رؤیای تبت از فریبا وفی براساس الگوی شوالتر». نویسنده نشان میدهد از بین رویکردهای چهارگانه شوالتر بیشترین تأکید بر رویکرد فرهنگی در انواع خشونت به زنان در جامعه مردسالار است و بسامد زیاد این رویکرد در رمان، فمینیست بودن آن را اثبات میکند. رضا اویسی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نقد اخلاقی رمانهای فریبا وفی (رؤیای تبت، پرندۀ من، ترلان)» (۱۳۹۷) نشان میدهد در بوته نقد اخلاقی ویژگیهای مثبت و منفی و فضایی همچون نجابت، پایبندی به عقیده و ایمان، ایستادگی در برابر مشکلات و خوش‌اخلاقی بازتاب نسبتاً بالایی دارد و رذایلی همچون خرافاتی بودن و پنهان‌کاری نیز در برخی سطرها مشاهده میشود که در برابر خصایص مثبت کلام او جلوه و نمود چندانی ندارد. در مقاله «خوانش تطبیقی دو رمان چراغها را من خاموش میکنم و دفترچه ممنوع براساس نظریه مؤنث‌نگری در نوشتار زنانه»، سمانه شفیعی (۱۳۹۲) نشان میدهد ویژگیهای مشترک نوشتار زنانه، تشابهات و تناظرهای بنیادی در پیرنگ، روایت و

^۱ Pier bourdieu

^۲ Capital

^۳ Economic Capital

^۴ Social Capital

^۵ Cultural Capital

^۶ Cymbol Capital

شخصیت‌پردازی این دو رمان چگونه است. در مقاله «تحلیل رمان رؤیای تبت بر اساس استعاره‌نمایشی نظریه گافمن» مژده سالارکیا و مریم حسینی معلوم میکنند که شخصیت‌های زن رمان برای پنهان کردن داغ عشقی ممنوع تلاش میکنند، اما نمیتوانند در اجرای روی صحنه موفق عمل کنند. ضمن بررسی‌های بعمل آمده و با توجه به پیشینه‌های موجود درمیابیم که اثری همانند مقاله حاضر که در پی واکاوی سرمایه‌ها و جامعه‌شناسی از منظر سرمایه‌های متقدم یا متأخر در کنشگری زنان باشد، وجود ندارد؛ بنابراین ضرورت این پژوهش اثبات میشود.

بحث و بررسی

انواع سرمایه

بورديو برای اولین بار نظریه «سرمایه» خود را به الگویی بسیار کاربردی برای درک جوامع مدرن و پیچیده امروزی درآورده است. اولین سرمایه، سرمایه اقتصادی (ثروت) است که «حتی میتواند مایه‌ی وارثان باشد» (علم و تأمل‌پذیری، بورديو: ص ۱۳۶). بورديو چهار نوع سرمایه را از یکدیگر متمایز میکند: «سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین که همه آنها به نوعی قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارند... به سخن دیگر میتوان گفت سرمایه اقتصادی سرمایه اولیه فرد است اما ممکن است پس از کسب آن، صاحب سرمایه در معرض تأثیرات عمیق و بزرگی قرار گیرد» (مفاهیم کلیدی بورديو، گرنفل: ص ۳۳۳). سرمایه فرهنگی به سه بخش تقسیم میشود: (متجسد، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده). «احراز این بخش از سرمایه فرهنگی در گرو وجود و حضور سرمایه فردی است که معنا می‌یابد» (علم و تأمل‌پذیری، بورديو: ص ۸۰) و مجموعه‌ای از «کالاهای فرهنگی» است مانند آثار ادبی، گزارشهای علمی، تصاویر، کامپیوتر و... این سرمایه قابل انتقال است (خرید، فروش، آموزش و...) اما خصلت اساسی آن در این است که دارای اثر آموزشی بر دارندگان آن است که سرمایه «عینی فرهنگی» یا «عینیت‌یافته» است. به بیان دیگر «سرمایه میتواند عینیت یابد، یعنی بصورت مادی و در قالب آثار هنری، نمایشگاه، موزه، آزمایشگاه، ابزار علمی، کتاب و انواع گوناگون دست‌ساخته‌ها عرضه شود» (مفاهیم کلیدی بورديو، گرنفل: ص ۱۷۴). محل شکل‌گیری و خاستگاه این بخش در اجتماع و در بین گروه می‌باشد. «سرمایه فرهنگی میتواند به حالت نهادینه‌شده، در جامعه بصورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره که به استعداد فرد عینیت میبخشد؛ جامعه (یا بیشتر اوقات دولت) که این بازشناسی را اعلام میدارد، آن را نهادینه میکند (معلم، استاد، قاضی، کارمند دولت...)» (واژگان بورديو، شویره و فونتن: ص ۹۷). که «از طریق مدارک رسمی و یا تحصیلی توجیه میشود. مانند دیپلم دبیرستان و یا امتیاز کشف و اختراع» (بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، محسنی: ص ۳۰۰). «کسب سرمایه فرهنگی زمان می‌خواهد و بنابراین به امکانات مادی، اساساً مالی، نیاز دارد... از این بابت، به نحوی تنگاتنگ به سرمایه اقتصادی گره خورده و به شکل دیگر آن درآمده است» (واژگان بورديو، شویره و فونتن: ص ۹۸). «سرمایه اجتماعی که اساساً مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که فرد یا گروهی در اختیار دارد، به معنای برقراری و حفظ روابط، یا به معنای اجتماعی بودن است. دعوت‌های متقابل، گذراندن اوقات فراغت با دیگران و نظایر آن سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی، فامیلی و اعتماد) است. سرمایه نمادین با مجموعه‌ای از مناسک (مانند برجسب و تشریفات) مطابقت دارد و به افتخار و بازشناسی مرتبط است و سرانجام اینکه سرمایه نمادین تنها اعتبار و اقتداری است که برای یک عامل اجتماعی، به رسمیت شناخته شدن و برخورداری از سه نوع سرمایه دیگر را امکان‌پذیر میکند» (درسهایی از جامعه‌شناسی پیر بورديو، بون ویتز: ص ۶۸). «سرمایه نمادین هر فرد نه تنها در حال تغییر بلکه در واکنش به وضعیت و ساختار میدان دائماً در سیلان و جریان دگرگونی قرار دارد»

(مفاهیم کلیدی بورديو، گرنفل: ص ۲۰۶). «افراد یا گروه‌ها با هدف بدست آوردن موقعیت برتر، یعنی ایجاد حاکمیت و استیلا، در هر میدانی وارد رقابت با یکدیگر میشوند و از طریق تبادل این چهار نوع سرمایه با یکدیگر بر سر آن استیلا مبارزه میکنند» (تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، فکوهی: ص ۳۰۰). این مقاله با تکیه بر نظریه سرمایه بورديو، تحلیل اینگونه سرمایه‌های متقدم یا متأخر را در میدانهای مختلف اجتماعی در رمان «رؤیای تبت» از وفی و «دفترچه ممنوع» از دس‌پدس مورد بررسی تطبیقی قرار میدهد.

رؤیای تبت

رؤیای تبت سومین رمان فریبا وفی است. داستان طی تک‌گویی با زاویه دید اول شخص بوسیله شعله روایت میشود. شیوا (شخصیت اصلی) و همسرش، جاوید، در مواجهه با خانواده و دو فرزندشان (یلدا و نیما) سعی دارند همه مسائل زندگی را با منطق و در چهارچوب خشک و قالبی پیش ببرند؛ ولی در تعامل با افراد دیگر همچون دوستان سیاسی از جمله صادق و فروغ (مادر ناتنی جاوید) نیز هستند؛ که این اشخاص بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارند. مشخصه اصلی جاوید پرحرفی و بی‌احساسی است؛ در مقابلش صادق، کم‌حرف و باعاطفه است، تا جایی که به او لقب «مرد آرام» داده شده است. او بعد از آزادی از زندان بر تفکر و احساسات شیوا اثر می‌گذارد و باعث دل‌مشغولیش میشود. شیوا با رویکرد روشنفکری، از عامیانه و مبتذل بودن رویگردان است؛ او شخصیتی زنانه ندارد، زیرا پدرش در کودکی و در آرزوی پسر، او را حسین آقا صدا می‌زد؛ ولی بعدها می‌فهمد که باید به زنانگی و احساسات خود احترام بگذارد. شیوا خسته از زندگی پر حرف و شعارش، کشمکش درونی خود را بشکل رفتارهای عصبی و بی‌حوصلگی نشان میدهد. صادق دل‌باخته شیوا است ولی نمیتواند از مرزهای زندگی او فراتر رود؛ پس با خواهر مجردش شعله رفت‌وآمد میکند و میکوشد کسی از ماجرای ملاقات‌هایشان باخبر نشود. شعله پس از شکست عشقی (عشق مهرباد) با صادق مواجه میشود. وی در جستجوی آرامش است و این آرامش موقتی را در بیشترین قرارهایشان در ماشین صادق مییابد ولی در نهایت مجبور میشود صادق را ترک کند. شیوا و جاوید در نقش آدمهای خوشبخت خودشان را فریب میدهند. شیوا طی داستان به نحوی نمادین خلأ عشق را در زندگی مشترکش بروز میدهد. شیوا و صادق در یک میهمانی از نزدیکی ذهنی خود پرده برمیدارند؛ صادق دم از رفتن به «تبت» می‌زند و شیوا نیز از همراهی با او سخن می‌گوید. در این رمان علاوه بر این داستان، اتفاقات و سرگذشت افراد دیگری نیز به موازات هم روایت میشود: داستان شیوا و جاوید، شیوا و صادق، شعله و مهرباد، شعله و صادق، فروغ و پدر جاوید.

دفترچه ممنوع

داستان با خرید دفترچه‌ای برای یادداشت‌های روزانه زنی کارمند به نام والریا که در آستانه چهل‌وسه‌سالگی است، آغاز میشود. والریا ضمن یادداشت‌های روزانه‌اش، از عشق رئیس اداره (گوئیدو) به خودش مینویسد. کشمکش روحی وی برای پنهان کردن دفترچه از یک سو و اظهار عشق رئیس اداره از سوی دیگر، ذهن او را مشغول میکند، اما این تمام ماجرا نیست. همسر والریا میشل، کارمند بانک است. آنها طی زندگی مشترک ۲۲ ساله، صاحب دو فرزند شده‌اند. میشل، والریا را در سن چهل‌سالگی ماما صدا می‌زند و از عشق در زندگیشان خبری نیست. «میرلا» دختر ۱۹ ساله و بی‌پروای والریا، دانشجوی حقوق و دل‌باخته یک وکیل مسنتر از خودش (کانتونی) است. «ریکاردو» نیز ۲۲ ساله و دانشجویست و دلبسته دختری (مارینا) است و قصد دارند به آرژانتین بروند؛ ولی دختر باردار است و تصمیم می‌گیرد سریع با او ازدواج کند. پدر و مادر والریا ۷۲ ساله و هم‌سن هستند و والریا را با نام ب. ب صدا

میزنند. عشق رئیس، هراس از آینده فرزندان، ترس از کشف دفترچه بوسیله دیگران و فاش شدن راز والریا و نمایان شدن روابط سرد وی با میشل، از بین خاطرات روزانه راوی سر برمی‌آورد و باعث کشمکش درونی زن میشود. همه این وقایع والریا را آزرده و گیج میکند؛ بنابراین در پایان دفترچه ممنوع را میسوزاند.

تحلیل سرمایه‌های متقدم و متأخر در شخصیت‌های زن دو رمان

سرمایه فرهنگی

سرمایه‌های فرهنگی در نظریه بورديو به کنش‌گر کمک میکند تا در میدان فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی پویایی بیشتری داشته باشد و بهتر بتواند هدفهایش را دنبال کند. بارزترین سرمایه شخصیت‌های زن داستان رؤیای تبت، سرمایه فرهنگی است. این سرمایه را بشكل خاص در دو شخصیت شیوا و شعله میبینیم. آنها برای تمامی لحظه‌های زندگیشان برنامه دارند. برای شیوا، برخورداری از آگاهی که با مطالعه بدست می‌آید، مهمترین سرمایه زندگی است و جایگاهی بالاتر از سرمایه اقتصادی دارد. در باور شیوا میشود «همه چیز را با شعور و آگاهی‌تان روبراه کنید» (رؤیای تبت، وفی: ص ۳۳). از همین رو، همواره با کتاب انس دارد (همان: ص ۱۵). برای تربیت کودکان همیشه کتابهای روانشناسی کودک میخواند و اعتقادی به برخورد خشونت‌آمیز با کودکان ندارد (همان: ص ۱۰۵). برای شعله نیز داشتن سرمایه فرهنگی بسیار مهم است؛ از همین رو هم کلامی با مرد آرام – که برای او نماد آرامش و صداقت است – را بهتر از ماجراجویی‌هایی همچون گذراندن وقت در رستوانهای لوکس میداند که پیشتر با مهرداد تجربه کرده است: «ماشین او آرام است مثل خودش. خانه متحرکی است که میشود در آن پناه گرفت و دنیای بیرون را فراموش کرد» (همان: صص ۷۵ و ۷۶). شیوا در زمان پریشان‌حالی و رفتن مهرداد نیز تصمیم میگیرد که «از این پس آزاد و مستقل زندگی میکنم... به درس ادامه میدهم. به سفر میروم. زبان انگلیسی یاد میگیرم و مرتب ورزش میکنم. کتابی را که تازه خریده بودم میخوانم» (همان: ص ۹۸). تمام اهداف و تفریح شعله، کنشهایی فرهنگی‌اند، که البته نشانگر رفاه نسبی او در میدان اقتصادی است. سرمایه‌های فرهنگی شیوا و شعله، بیشتر از نوع سرمایه‌های فرهنگی متجسد، دانش کسب‌شده و سرمایه فرهنگی عینی، کتاب خواندن است. از سرمایه‌های فرهنگی نهادینه این دو شخصیت، حرفی بمیان نمی‌آید؛ اما از فضای داستان میتوان فهمید که هر دو دانش‌آموخته دانشگاه هستند و با افرادی تحصیل کرده ارتباط و دوستی دارند. «داشتن سرمایه فرهنگی بیشتر به معنای داشتن توان شناختی بالاتر و گرایش به هنر متعالی، ناشی از شایستگی بیشتر دارندگان این سرمایه است» (مصرف و سبک زندگی، فاضلی: ص ۳۸). الگو بودن از سرمایه‌های فرهنگی شیوا و عادت‌واره بارز وی است. «تو هم یاد بگیر از مادرشوهرت. گفتم: همیشه خواسته‌ام الگوی دیگران باشم. کارم هنوز به آنجا نکشیده که از یک زن عامی جلف چیز یاد بگیرم» (رؤیای تبت، وفی: ص ۲۳). وی در میدان سرمایه فرهنگی از برتری ویژه‌ای برخوردار است. او زنی متفکر و اهل مطالعه، متین و معقول است که از دید اطرافیان و راوی داستان (شعله) در جایگاه یک کنشگر موردپذیرش همگان است. «همیشه من گند میزنم، ایندفعه نوبت توست. کی باور میکرد شیوای متین و معقول این کار را بکند» (همان: ص ۱).

والریا، راوی دفترچه ممنوع، در میدان فرهنگی و در محیط خانه، زنی است که سرمایه متجسدش به کارهای روزمره همچون لباس شستن، اتو زدن، خانه تمیز کردن و مراقبت از دو کودک سه و پنج ساله‌اش منتهی میشود: «در آشپزخانه اندیشه‌های متعالی بال و پر نمیگیرد» (زنان علیه زنان، زرلکی: صص ۱۲۱ و ۱۲۲). او بعد از مدتی بخاطر کمک به هزینه‌های زندگی به کار منشیگری میپردازد. از آنجاکه زن‌ها در مشاغل فرودست‌تر از مردان ایفای

نقش میکنند، همچون منشیگری، خیاطی و خانه‌داری، اگرچه تحصیلکرده و کارمند است، در میدان فرهنگی مشروعیتی فرادست ندارد. با توجه به خصلتهای ذاتی‌شده میتوان گفت زن راوی کنشگری خود را در بروز سرمایه متجسد و در قالب نوشتن خاطرات روزمره خود به عینیت درمی‌آورد و نوشتارش نمایشگر ذهن آشفته و روان‌رنجورش است. او رکود انواع سرمایه را بیان میکند و موقعیتی فرهنگی را با نوشتن آلامش می‌آفریند. راوی از تنهایی خویش در شکل‌گیری خاطرات دفترچه کمک میگیرد تا برای بیان هویت از دست‌رفته‌اش فرصتی یابد. اولین بازنمود این هویت در نوشتن نامش در صفحه اول دفترچه بروز میکند. «هر بار که این دفترچه را باز میکنم چشمم به اسم خودم میفتد که در صفحه اول آن نوشته‌ام» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: ص ۱۲). او که همواره نگران قضاوت دیگران است تا آخر داستان نیز نمیتواند از این قضاوت بگذرد. «من چهل‌وسه سال دارم و به نظرم شرم‌آور است که دارم دفتر یادداشت درست میکنم» (همان: ص ۱۲). در نهایت با نابود کردن دفترچه تنها سرمایه فرهنگی نهادی، که منجر به بازتولید سرمایه فرهنگی عینی (دفترچه) شده بود، نابود میشود.

قیاس سرمایه‌های فرهنگی زنان دو رمان

شیوا و والریا علاوه بر سرمایه فرهنگی متجسد آشپزی و خانه‌داری که دانش ذاتی‌شده در وجودشان است، از تحصیلات دانشگاهی نیز برخوردارند. شیوا در بی‌حوصلگی جاوید گاهی برگه‌های امتحانیش را تصحیح میکند و والریا نیز در اداره کارمند است. شعله خواهر شیوا در رؤیای تبت و میرلا دختر والریا در دفترچه ممنوع نیز شغل و تحصیلات دانشگاهی دارند که بیانگر سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده است. در مقابل این زنان تحصیلکرده دسته دومی نیز وجود دارد از جمله مادر شیوا، فروغ و مارینا که تحصیلات دانشگاهی ندارند و از سرمایه غنی فرهنگی برخوردار نیستند. آنها نه دانش و معلومات چندانی دارند و نه اهل کتاب‌خوانی و خرید کالاهای فرهنگی‌اند. تنها سرمایه آنها همان سرمایه متجسد خانه‌داری است. مادر شیوا در بیان علت زمین‌لرزه برای نوه‌اش استدلال کاملاً خرافی می‌آورد: «روزی که مامان برای یلدا شرح میداد که شاخ گاو بزرگی که در زیر زمین است تکان میخورد...» (رؤیای تبت، وفی: ص ۱۵). فروغ با دانش و کتاب بیگانه است، سرمایه او لوازم آرایش است که با آن احساس هویت میکند: «از یکی از ماتیکها فقط تهش مانده بود. با چوب کبریت درش می‌آورد» (همان: ص ۹۴). از نظر والریا همسر ریکاردو باید «دختری قوی و باراده باشد... ولی از طرفی هم فکر میکنم قدرت اخلاقی او باید آنقدر زیاد باشد که هیچ ثروتی نتواند با آن برابری کند» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: صص ۱۲۸ و ۱۲۹) و از تحصیلات دانشگاهی و سرمایه فرهنگی آکادمیک نیز برخوردار باشد ولی مارینا حتی دیپلم هم ندارد. «او از تحصیل خوشش نمی‌آید، حتی دیپلم هم نگرفته است» (همان: ص ۱۲۸). نسل مادران و دختران در فضای اجتماعی و موقعیت فرهنگی و تحصیلاتی به دو دسته تقسیم میشوند و درمییابیم همگی از نظر سرمایه‌های فرهنگی، در میدان اجتماعی و ارتباط با مردان رمانها از مقام پایینتر و جایگاه شغلی فرودستی برخوردارند. میرلا زبردست کانتونی وکیل خبره و سن‌دارتر از خودش مشغول کار میشود، کاری که اگرچه وجهه اجتماعی خوبی به او میدهد، باعث لکه‌دار شدن شرافت خانوادگی‌شان میشود «شرافت ما را لکه‌دار میکرد» (همان: ص ۱۰۶). والریا منشی و کارمند دفتر رئیس میشود «هیچ‌کس به کاری که انجام میدهم و مسئولیتهای من اهمیتی نمیدهد» (همانجا). و شیوا که زنی تحصیلکرده است نیز در این حوزه همچون مادر و فروغ کنشگری ویژه‌ای ندارد. در سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته نیز میتوان به یادداشتهای روزانه والریا اشاره کرد که آن هم با سوزانده شدن، خلق و بازتولید سرمایه فرهنگی مثبت و ایجابی بدنبال نداشت.

سرمایه اجتماعی

از نظر بوردیو عضویت در یک گروه مثل گروه سیاسی از سرمایه‌های اجتماعی است. صادق دوست سیاسی و خانوادگی شیوا و جاوید است. سرمایه اجتماعی از روابط فرد با دیگر اعضای جامعه بدست می‌آید؛ در این روابط فرد از وزن اجتماعی بیشتری برخوردار میشود و قدرت کنشگری بیشتری پیدا میکند. شیوا و همسرش (جاوید)، فعال سیاسیند و با برخی از دوستان همفکر خویش رابطه نزدیکی دارند. شعله نیز بواسطه شیوا و جاوید با صادق همکلام است. طبیعتاً این رابطه‌ها، سرمایه اجتماعی خوبی برای آنها (از جمله شیوا و شعله) بشمار می‌آید. «در خانه‌های قبلی صدای صاحبخانه درمی‌آمد بخاطر آدمهای جورواجوی که مرتب به خانه‌تان رفت‌وآمد میکردند. ... همه‌تان از یک جنس بودید؛ شبیه هم» (رؤیای تبت، وفی: ص ۳۴). به بیان دیگر، شیوا و شعله، در این میدان اجتماعی از طبقه متوسط روشنفکرند و توانایی ارتباط اجتماعی را دارند و مسئله جنسیت مانع آنها نیست. سرمایه فرهنگی غنی شخصیت خاص و بیتفاوت شیوا مانع از این میشود که با همه ارتباط برقرار کند. «تو مأمور مرگ بی‌تفاوتی بودی. اگر خبر میدادند که فلانی مرد، میگفتی یادم باشد روسری سیاه بخرم» (همان: ص ۱۰۵). او شخصیتی باوقار و بادب دارد که فاصله خویش را همواره با همه حفظ میکند. «با رفتار مؤدبانه‌ات فاصله را با همه حفظ میکردی» (همان: ص ۱۰۱). افزون بر این، ارتباط اجتماعی شخصیتهای اصلی داستان، میان افرادی شکل گرفته که بعد از کناره‌گیری از کارهای سیاسی، دیگر قدرت کنشگری اجتماعی زیادی ندارد؛ شیوا خانه‌دار است و صادق نیز در زندان بسر میبرد. جاوید که مدتی با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم کرده، با راه‌اندازی کارگاه وضعش روبراه شده است. شعله نیز پرستار بیمارستان است و به‌خلاف گذشته در آنجا با کسی رابطه نزدیکی ندارد. «صبح روز بعد مثل مرده به بیمارستان رفتم. سلام دادن به دیگران کاری شاق بود» (همان: ص ۴۶) بنابراین رابطه اجتماعی افراد در سطحی محدود و بین افرادی مشخص شکل گرفته است. با این اوصاف معلوم میشود دو خواهر در میدان فامیلی و دوستانه‌شان ارتباطات اجتماعی گرمی ندارند. «میگویم که خواهرم خیلی خوب است... ولی نمیدانم این چطور تربیتی است که نمیتوانیم به یکدیگر بگوییم چه مرگمان است» (همان: ص ۷۸). سرمایه اجتماعی خانوادگی‌شان در محدوده مادر و خواهر و فروغ خلاصه میشود.

والریا در دفترچه ممنوع، ناخواسته درگیر حوادثی میشود که میرلا، میشل و ریکادو مرکز آن هستند و میکوشد مشکلات را حل کند، اما در نهایت موفق نمیشود. از نظر بوردیو نهاد اجتماعی خانواده یکی از قدرتمندترین سرمایه‌های اجتماعی است؛ والریا تمام وقت خود را صرف خانواده میکند. او میکوشد این سرمایه را در قالب مادری دلسوز و همسری فداکار بازتولید کند. «سالها پیش یکی از دوستان برای یک هفته ما را به خانه‌اش در بیلاق توسکا دعوت کرد. همه کارهای خانه را از پیش سامان دادم تا میشل و بچه‌ها در غیاب کوتاهم ناراحت نشوند» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: ص ۳۰). او از سن بیست سالگی فقط نقش مادر و همسر را بازی کرده و فردیت خود را از یاد برده است، بنابراین در سن چهل سالگی ضمن کنشگری، به فضایی خصوصی در حد یک کتو در خانه قانع میشود؛ ولی آن هم از او دریغ میشود. «در این خانه یک گوشه تنها، حتی یک کتو ندارم که مال خودم باشد» (همان: ص ۷). والریا به زن منفعلی بدل میشود که فقط درصدد رفع نیازهای شوهر و فرزندانش است. «اگر گاهی بگویم حالم خوب نیست میشل و بچه‌ها سکوت میکنند، من هم از جایم بلند میشوم و آنچه را که باید انجام دهم میکنم. هیچکس برای کمک به من از جایش تکان نمیخورد» (همان: ص ۳۰). در فضای اجتماعی خانوادگی والریا بین اعضای خانواده نه‌تنها تولید سرمایه اجتماعی ایجابی و مثبت دیده نمیشود، بلکه روابط سرد اعضا به بازتولید منفی این سرمایه نیز می‌انجامد.

قیاس سرمایه‌های اجتماعی زنان در دو رمان

شیوا و میشل بدنبال درک و هم‌زبانی از طرف همسران خود هستند. «خودم را به خواب زدم، فکر میکردم بین من و میشل مثل بین من و مادرم از سالها پیش زبانی غیرقابل‌ادراک بوجود آمده است» (رؤیای تبت، وفی: ص ۱۰۹). شیوا در یک کشمکش درونی از طرفی درگیر زندگی مشترک خود است و از سویی دیگر بخاطر بی‌مهری همسرش و عشق نهفته‌اش به صادق عصبی و بی‌حوصله شده است. بین شیوا و همسرش سرمایه عشق که سرمایه اجتماعی قدرتمندی را پدید می‌آورد، وجود ندارد. «در طول روز نشانی از ردوبدل عاشقانه یا همدستی محرمانه‌ای که نشان‌دهنده کار مشترک و لذت‌بخش بین شما باشد، دیده نمیشد» (همان: ص ۸۲). شیوا سعی دارد درستکاری و وفاداری به جاوید را در قالب سرمایه اجتماعی همسری حفظ کند؛ پس در سکوت این عشق و عدم خوشبختی را پنهان میکند. «هیچوقت گول ظاهران را نخورده بودم. شما وفادار، درستکار، شرافتمند و هزار چیز دیگر بودید ولی خوشبخت نبودید» (همان: ص ۱۱). هر دو زن (شیوا و والریا) بار سنگین خانواده و درک نشدن از طرف همسر و اعضای خانواده را بر دوش میکشند. هر دو در میدان خانوادگی بصورت ظاهری از سرمایه متقدم اجتماعی خانواده برخوردارند و بدنبال آن با سرمایه نمادین متأخر عشق (صادق و رئیس اداره) مواجه میشوند. والریا که تنها سرمایه‌های کمرنگ اجتماعی را در مقام مادر و همسر دارد، با ورود عشق از حالت انفعال خارج میشود ولی در نهایت با سوزاندن دفترچه و نپذیرفتن عشق رئیس به همان تقدم سرمایه اجتماعی اندک و ظاهری مادری، نه راستین و سرمایه متقدم نمادین وفاداری به همسر بسنده میکند؛ ولی در عوض شیوا در پی یافتن سرمایه‌های جدیدتری، خود را از سرمایه متأخر اجتماعی همسری و سرمایه نمادین پرستیژ و احترام میرهاند و اعلام میکند همراه صادق به تبت خواهد رفت؛ او سرمایه نمادین وفاداری را رها کرده و سفر برایش سرمایه جدید اجتماعی را نیز به ارمغان می‌آورد. «گفتی: دوست دارم بروم تبت. صادق تکان نخورد ولی بازویش که موازی بازوی تو بود، بالا آمد و دستش آرام روی دست تو نشست» (همان: صص ۱۷۴ و ۱۷۵).

در رمان وفی در فضای اجتماعی جدید بعد از نقل مکان به منزل فروغ و آزادی صادق، سرمایه اجتماعی روابط دوستانه و رفت‌وآمد هموندان سیاسی که بصورت محرمانه در منزل جاوید برگزار میشد، کم میشود؛ جشن سالگرد ازدواج آنها تنها با مشارکت صادق، شعله، مادر و فروغ انجام میشود؛ اینگونه سرمایه اجتماعی مقدم که در برقراری و حفظ روابط فامیلی و اعتماد و پیوندهای دوستانه رقم می‌خورد، بازتولید منفی دارد و دیگر از تشکلهای و گردهماییها خبری نیست. والریا نیز بجهت مشکلات و کمبود سرمایه‌های اقتصادی در میدان پس‌از ازدواج ناگزیر است از دوستان دوران تحصیل فاصله بگیرد. «برای جمعه نمیتوانی بهانه بیاوری.» جواب دادم: «البته میتوانم ولی چون کارم عقب می‌افتد دیگر در مهمانی به من خوش نخواهد گذشت.» ... ساکت بودم و کم‌کم درک میکردم فاصله‌ای که در سالهای اخیر بین ما افتاده برای این است که من کار میکنم و آنها نه» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: صص ۳۷ و ۳۸) و ارتباط کمرنگ (سالی یک‌بار) دوستانه‌اش نیز از بین میرود. در نگاه به سرمایه اجتماعی خواهری و مادری که از سرمایه‌های متقدم است نیز شاهد سردی روابط مابین شیوا و شعله و مادرشان هستیم. «رفتیم بازار. ... افتادیم توی شلوغی. نگفتی برگردیم. ... نگفتی آدم هم اینقدر وسواسی! نگفتی بچه‌ها، بچه‌ها. با مادر بازیهایی خفهام نکردی. مامان میگفت: «شبی که دردش گرفت، خانه‌شان بودم. هر دو بی‌سروصدا لباس پوشیدند و خیلی جدی گفتند که میروند بیمارستان. هاج‌وواج مانده بودم. گفتند بروم راحت بخوابم... ندیده بودم کسی اینجوری برای زایمان برود» (رؤیای تبت، وفی: ص ۲۱). با اینکه رابطه اجتماعی افراد در رمان محدود است، ولی سرمایه اجتماعی مناسبی برای شخصیت‌های داستان است. مثلاً صادق در فعالیت سیاسی به شش سال زندان محکوم شده

است؛ اما دوستی عمیق او با جاوید و شیوا پایگاه اجتماعی محکمی برای او است و مادر تنه‌ایش می‌تواند از این سرمایه پیشین بهره‌بردار (همان: ص ۲۵). از طرف دیگر، شعله که در اضطراب جدایی از مهرداد است، در دوستی با صادق، سرمایه اجتماعی مناسبی کسب می‌کند و تا حد زیادی آشفتگی روحیش تسکین می‌یابد.

در قیاس دختران و مادران رمانها، والریا می‌خواهد ارتباط مناسبی با دختر و مادرش داشته باشد، ولی نمی‌تواند این ارتباط را پررنگ سازد و سرمایه اجتماعی مثبت و رو به جلویی برایش رقم نمی‌خورد. «نه با مادرم می‌توانم افکار آشفته را درمیان گذارم و نه با دخترم، چون هیچ‌کدام چیزی نخواهند فهمید، به دو دنیای مختلف تعلق دارند» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: ص ۳۳۴). ولی شیوا خودش رفتار سردی با خواهر و مادرش دارد. «مامان ژاکتی که برایش می‌خریدم تنش می‌کرد و میگفت اگر مردم و قسمت نشد بیوشم بدهید به دختر اعظم. میگفتم خدا نکند. میگفتی اعظم شش تا دختر دارد. به کدامش بدهیم. با مامان سر خاک آقا جان میرفتیم. نمی‌آمدی» (رؤیای تبت، وفی: ص ۱۰۵). شیوا و والریا میکوشند بهره‌بهتری از سرمایه اجتماعی خانوادگی ببرند ولی به دو شیوه متفاوت و متاخر شبیه هم رفتار میکنند. شیوا بر همه چیز از جمله درستکاری، شرافت و وفاداری پا می‌گذارد و دختر والریا نیز پیوندهای اجتماعی را که طبق شرافت طبقه‌بندی میشود می‌گسلد و زندگی جدا و به دور از رفتارهای تکرارشونده، انفعال و ترس مادر را پیش می‌گیرد. «گوش کن ماما. من نمی‌خواهم زندگی تو و پاپا را داشته باشم... ترجیح میدهم خود را بکشم و این زندگی را که او برای تو درست کرده نداشته باشم. من فقط یک برگ برای بازی دارم. عروسی، آن هم خیلی زود. چون جز جوانی چیزی برایم باقی نمانده است. نه اسم و رسم دارم. نه پدری با مقام سیاسی یا موقعیت اجتماعی. من حتی لباس ندارم بیوشم» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: ص ۵۳). میرلا از نبود انواع سرمایه‌های متقدم خود می‌گوید. «بسیاری از دختران بسبب اینکه باید ازدواج کنند، بعلت اینکه به آنها فشار وارد میشود، بدلیل اینکه میدانند این یگانه مفرّ عاقلانه است، ... تصمیم به ازدواج می‌گیرند» (جنس دوم، دوووبوار، ج دوم: ص ۲۴۳). او در این فضای اجتماعی طبق عادت‌واره خانوادگی و آموزه‌های مادرش پیش نمی‌رود و در سطح ارتباطات دوستانه خود که جزو سرمایه‌های اجتماعی است، از قوانین و سنت جامعه و حرف همسایه‌ها گذر میکند و با استفاده از بزرگترین سرمایه نمادین خود (جوانی) در پی بدست آوردن و بازتولید سرمایه افتخار و پرستیژ و شغل و سرمایه اجتماعی بهتری است که بدنبال آن سرمایه اقتصادی بیشتری را برایش رقم خواهد زد. میرلا بخاطر تجربه زیسته متفاوت با مادرش، در محیط جامعه که منش و کنش و نوع پوشش متفاوتش را صورت‌بندی میکند، همه مشکلاتش را در عدم تقدم سرمایه اقتصادی در فضا و میدان اجتماعی خانواده خود مبیند. او میکوشد با بیشترین استفاده از سرمایه جوانی در کنار سرمایه فرهنگی (تحصیلی) و سرمایه اجتماعی روابط (مراوده با وکیلی بزرگتر از خود)، به تولید و بدنبال آن بازتولید سرمایه‌هایش به سرمایه نوین و متاخر دیگری بپردازد که در سایه روابط رقم می‌خورد. کنشگریهای وی از طرف والریا، برادرش، همسایه‌ها و جامعه پذیرفتنی نیست؛ حفره بزرگی بین او، مادر و برادرش ایجاد میکند و به تولید سرمایه سلبی و منفی اجتماعی می‌انجامد و به قول والریا که «یک خانواده نشان قدرت است» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: ص ۹۶)، در این میدان و در کنش دخترش، خانواده قدرتی را بوجود نمی‌آورد و برعکس میرلا در مقابله با مادر و برادرش، تنها صبر میکند سنش قانونی شود و این اندک رشته ارتباطی و سرمایه اجتماعی متقدم را بگسلد.

از آنجاکه والریا تفکر سنتی خود را بر طبق عادت‌واره‌هایش، سلطه جامعه و در فضاهای سنتی جستجو میکند، ارتباط وی با رئیس اداره نیز منجر به عذاب وجدان وی شده و احساس ترس دوچندان را برایش بوجود می‌آورد و

ناچار این ارتباط را، که سرمایه اجتماعی متأخری است، رها میکند. «باید دفترچه را از بین ببرم. باید شیطانی را که لابلای صفحات آن و بین ساعات زندگیم پنهان شده است از میان ببرم» (همان: ص ۳۵۰). او طبق عادت‌واره نهادیش به حالت انفعالی سابق برمیگردد و تسلیم شرایط موجود، بی‌مهری همسر و فرزندانش میشود. او در مقام مادری، همسری و کارمندی سرمایه اجتماعی چشمگیری عایدش نمیشود و سرمایه‌های اجتماعی متقدم و هویت او رو به زوال رفته و تضعیف میشود. «این آخرین صفحه است. دیگر در آن چیزی نخواهم نوشت، و روزهای آینده همچون این صفحه‌های سفید آرام و سرد خواهند بود، تا روزی به سنگ صاف و بزرگی، یک بار دیگر مرا والریا خواهند خواند» (همان: ص ۳۵۱). والریا از رابطه سرد مادرش گله‌مند است. «مادرم همیشه با من خیلی سرد بوده است. حتی موقعی هم که بچه بودم بندرت مرا در آغوش میگرفت و نوازش میکرد. ... من سعی کرده‌ام دخترم را نوع دیگری تربیت کنم، دوست و محرم اسرار او باشم ولی موفق نشده‌ام» (همان: ص ۶۳). او در تلاش خود برای ایجاد ارتباط مؤثر با دخترش بی‌بهره میماند و میرلا او را کنترلگر میداند که از عوامل تولید سرمایه اجتماعی سلبی و منفی است. زنان تحصیلکرده دو رمان با توسل به سرمایه تحصیلی و آکادمیک خود (سرمایه متقدم) در مسیر گسترش سرمایه اجتماعی خود گام برمیدارند اما نتایج درخشانی در تولید سرمایه‌های جدید و متأخر بچشم نمیخورد. در روند داستان مخاطب متوجه میشود که بنیانهای خانواده و سرمایه‌های اجتماعی در فضاهای اجماعی رو به زوال است. مشکل شیوا و جاوید، والریا و میشل، شیوا و خواهرش شعله، والریا و دخترش و ... بیانگر رنگ‌باختگی این فضا در ارتباطهای اجتماعی آنها است.

سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی به داراییهایی گفته میشود که فرد با کار و درآمد یا بواسطه وراثت بدست می‌آورد. بارزترین شخصیت رؤیای تبت، شیوا است که سرمایه اقتصادی ندارد. او بدلیل علاقه خاص به آگاهی و دست‌یافتن به سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، به مسائل اقتصادی بیتوجه است، تا حدی که مهریه‌اش نیز یک شاخه گل است. «مهریه‌ات یک شاخه گل بود که تا حالا صد دفعه خشکیده بود و تو خوش می‌آمد به جاوید بگویی جانم آزاد و مهربم حلال و جاوید هم جواب میداد یکی از حیاط بچین و برو» (رؤیای تبت، وفی: ص ۳). شعله در بیمارستان کار میکند و سرمایه اقتصادی اندکی عایدش میشود: «مهرداد میگفت این کار بیمارستان تعریفی ندارد. گفته بودم کارم را دوست دارم و با کمی تقلب از کلمات جاوید درمورد استقلال اقتصادی حرف زده بودم» (همان: ص ۲۰). مادر شیوا بازنشسته و مستمری‌بگیر است و از این حیث، استقلال اقتصادی و همچنین سرمایه اقتصادی کمی دارد. بعد از ازدواج فروغ با پدر جاوید، او چند دانگ از خانه را به اسم فروغ کرده است (همان: ص ۷۳). این خانه سرمایه اقتصادی مناسبی برای فروغ بشمار می‌آید که جاوید هم در زمان درماندگی به خانه او اسباب‌کشی میکند تا در آنجا ساکن شود (همان: ص ۱۳).

والریا منشی اداره‌ای میشود و بارها از مشکلات اقتصادی و دست‌کم گرفتن شغلش توسط اعضای خانواده شاکی است. «هر وقت از شغلم صحبت میکنم او گوش نمیکند. گمان میکنم حتی درست نداند من چه کار میکنم. ... هیچ‌کس به من توجهی نمیکند و من هم فوراً ساکت میشوم و احساس شرمندگی میکنم» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: ص ۱۰۶). والریا در میدان (پس از ازدواج) علاوه بر کارمندی شغل خانه‌داری را نیز برعهده دارد و از گرفتن پرستار برای کودکانش به نفع سرمایه‌های اقتصادی خانواده چشم‌پوشی میکند. «اغلب از کار زیاد خانه و از اینکه اسیر خانواده‌ام، از اینکه هرگز وقت ندارم مثلاً یک کتاب بخوانم، شکایت میکنم» (همان: ص ۲۸). سرمایه

اقتصادی متقدم والریا در نازلترین سطح خود قرار دارد، با اینکه وی منشی و حقوق‌بگیر است، هیچ پس‌اندازی و مایملکی ندارد. اگرچه فرزندانش دانشجو هستند باز هم نمیتوانند از این سرمایه فرهنگی متأخر به نفع برخوردار باشند. از سرمایه اقتصادی بهره ببرند. در نگاه والریا دختر ۱۹ ساله‌اش درگیر برخورد کاسبکارانه و کیل ۳۹ ساله شده است و بعلت سرمایه اقتصادی اندک، درمقابل کانتونی از سرمایه فرهنگی، تحصیلات، جوانی و هوش خود استفاده میکند و کانتونی نیز در مقابل، جایگاه اجتماعی و مالی جدید و متأخری را در دفتر کارش و با پرداخت هدیه‌های گرانبه‌ایم، رستوران و رفت‌وآمدهای شبانه به او تقدیم میکند. «بین اگر با یکی از همشاگردیه‌هایت گردش بروی ... دیر هم بکنید ولی آدم خیالش راحت است، اما با این عاقل‌مرد...» (همان: ص ۵۲). «میرا با چشمانی خشک نگاهم کرد و گفت: «تو حسود هستی» (همان: ص ۵۵). ابهت خانواده که نشانه سرمایه اجتماعی متقدم است در مقابل ضعف سرمایه اقتصادی فرومیریزد؛ احترام که در سایه سرمایه اجتماعی به سرمایه نمادین تبدیل میشود نیز از میان خانواده رخت برمیبندد. با بررسی شخصیت‌های فوق مشخص میشود که بیشتر زنان داستانها، سرمایه اقتصادی متقدم اندکی دارند و آن، به حدی نیست که به آنها مجال کنشگری بسیار مؤثر در میدان اقتصادی و اجتماعی بدهد. تنها کسی که سرمایه اقتصادی نسبتاً مناسبی دارد، فروغ است که سرمایه‌اش را بواسطه ارث بدست آورده است.

سرمایه نمادین

سرمایه نمادین در نتیجه تعامل فرد با دیگران شکل میگیرد. اگر فردی با فرهیختگی و احترام با دیگران برخورد کند، دیگران را به احترام گذاشتن به خویش وامیدارد. بر اساس این تعریف، سرمایه فرهنگی میتواند نوعی احترام و اعتبار را برای فرد کسب کند. تمامی سرمایه‌ها، قابلیت تبدیل به سرمایه نمادین را دارند؛ چراکه سرمایه نمادین حالتی است که فرد از آن برخوردار است و جامعه آن را ارج مینهد و ارزشمند میدانند. بر این اساس، «سرمایه اجتماعی میتواند فرد را وارد روابطی سازد که حاصل آن کسب میزانی از سود بشکل پول یا انواع مالکیت باشد. همچنین تحصیلات و داشتن مدرک عالی، مشاغل پردرآمدی را در اختیار فرد قرار میدهد که با قرار گرفتن در آن موقعیتها، میتواند نه تنها به پول، بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادهایی هم برای مشروعیت بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند» (معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو، ممتاز: ص ۱۵۱). سرمایه فرهنگی متقدم شخصیت شیوا و شعله، موجب میشود دیگران با احترام به ایشان نگاه کنند و شخصیت‌هایشان را چنانچه شیوا میگوید، «غیرمبتذل» ببینند. این سرمایه فرهنگی باعث شکل‌گیری سرمایه نمادین آنها میشود، بویژه در شخصیت شیوا؛ چراکه تمامی شخصیت‌های داستان به شیوا احترام میگذارند و او را شخصیتی کامل میدانند. شعله طی داستان از بزرگی و منشهای یگانه شیوا میگوید و حتی فرهیخته‌ترین افراد و کتاب‌خوانترین آدمها نیز نمیتوانند لایه‌های بزرگی او را دریابند: «با تو بازار رفتن کیف داشت. ... بازار مکان شلوغ و عجیبی بود پر از امکانات تازه برای کشف شدن و تو مشتری معمولی نبودی» (رؤیای تبت، وفی: ص ۲۲). شعله کمال شیوا را ندارد ولی عادت‌واره‌هایش، فرهنگ و ادبش را مینمایاند؛ او پرستاری ایثارگر است که به همگان کمک میکند (همان: ص ۴۱) و به خصلتهایی همچون صداقت و ایثارگری علاقه‌مند است که بیانگر سرمایه نمادین متقدم اوست. مادر صادق، مادر شیوا و فروغ به نحوی از سرمایه نمادین برخوردارند. مادر صادق زنی است که برغم بیوه‌شدن زود هنگام، با ایثارگری، فرزندان را آگاه و از حیث اجتماعی و سیاسی، پویا را پرورش داده است و به نوعی مادر تمام دوستان صادق بشمار می‌آید و از سرمایه نمادین و متقدم ارزشمندی برخوردار است: «جاوید میگفت مادر صادق مادر همه بچه‌ها بود... زود بیوه

شد و پنج تا بچه‌اش را دست‌تنها بزرگ کرد. خودش را هلاک کرد تا بچه‌ها را به دانشگاه فرستاد» (همان: ص ۲۴). مادر شیوا بواسطه انجام وظایف روزمره و خریدهای بموقع منزل ارزش و احترام کسب میکند: «هر جا میرفت نان تازه با خودش میبرد. جمعه‌ها در صف طولانی می‌ایستاد تا سنگ گیش بیاید» (همان: ص ۱۴۹). این خصلتها به نوعی سرمایه نمادین و قدیمی او محسوب میشوند، ولی این سرمایه نمادین در سطحی بسیار محدود -در سطح خانواده- است و به خلاف سرمایه مادر صادق، در عرصه‌ای فراتر از خانواده اثرگذار نیست. شخصیت فروغ کاملاً متفاوت و جمعی از تمامی خصلتهایی است که مردسالاری ناپسند میداند و به نوعی اعتراضی به فرهنگ مردانه است. بعد از اینکه -بخاطر نازایی- بواسطه شوهر نخستش طرد میشود، پی میبرد جامعه، او را زن بشمار نمی‌آورد، چراکه کسی در این جایگاه قرار نمیگیرد که توان زادوولد داشته باشد و به اجبار همسر پدر جاوید میشود. در نگاه جامعه مردسالاری «زن عبارت از رحم است» (جنس دوم، دوبووار، جلد ۱: ص ۱۵). او که نمیتواند سرمایه نمادین متقدم احترام در چشم دیگران را کسب کند، با آرایش کردن و اغواگری در پی کسب ارزش و اعتبار در چشم دیگران است: «صدایش در حرف زدن با مردها بفهمی نفهمی نازکتر میشد» (رؤیای تبت، وفی: ص ۱۳۴). او اعتبار موقتی کسب میکند، ولی سرمایه نمادین متأخر راستینی را برای او خلق نمیکند. «وجه تمایز نمادین با سایر سرمایه‌ها در کلمه نماد، سمبل و داشتن پرستیژ در چشم دیگران، نهفته است و این نماد با گذر زمان و مکان، تغییر مییابد» (بررسی رابطه سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین با رفتار مصرف‌کننده در صنعت پوشاک، نامدار جویمی: ص ۵۰). شاید بتوان سرمایه نمادین مثبت و متأخر را در زنان رمانها در بازآفرینی و تولید عشق دانست. شیوا که همراه با همسرش جاوید از منطق دم میزند، درمییابد به چیزی فراتر نیاز دارد و و باید خلأ حاصل در زندگیش را با عشق صادق پر کند. «عشق هم برای شما آیین بود نه تجربه شخصی» (رؤیای تبت، وفی: ص ۵). او پا را فراتر از مرزهای قدیم میگذارد و سرمایه جدید نمادین عشق را میطلبد. شجاعت ابراز این مسئله از شیوا زنی با شخصیت پویا میسازد که بالأخره به فردیت و هویت فردی خود اهمیت میدهد و از مرزهای سکون و سکوت فراتر میرود. «تعجبم از این است که چطور توانستی آنهمه چشم مراقب را نادیده بگیری. تو که چشمهای زندگیت بیشتر از هرکس دیگری بود» (همان: ص ۲).

سرمایه نمادین متقدم والریا در نازلترین سطح است و تنها در مواقعی به جایگاه او توجه میشود که مسئولیتی در میان است. میشل تمامی تصمیم‌گیریهای خانواده را به والریا واگذار میکند. «میخواستم راجع به ریکاردو و میرلا صحبت کنم. او با مهربانی گفت که در تصمیم گرفتن آزاد هستم ... به من گفت هیچکس بهتر از تو قادر نیست این نوع کارها را انجام دهد» (دفترچه ممنوع، دس‌پدس: ص ۱۴۵). وی در این میدان سرمایه نمادین متأخر چندانی کسب نمیکند. طبق عادت‌واره‌ها، میرلا، شخصیتی قوی و مستقل دارد. مؤدبانه و بی‌پرده سخن میگوید. او با اندیشه زیبا و کلام جادویی در تقابل با دیگران با خونسردی بر آنها اثر میگذارد و به همین دلایل کانتونی جذب شخصیت او میشود و او را ناجی زندگی خویش میداند: «من قبل از آشنایی با میرلا زندگی دیگری داشتم، ولی همیشه حس میکردم در اطرافم چیزی مرا دلتنگ میکند» (همان: ص ۲۵۱). این خصلتها سبب میشود با وجود سن کم، و به‌عکس والریا، سرمایه نمادین متأخر ارزشمندی کسب کند.

قیاس سرمایه‌های نمادین در زنان رمانها

در قیاس شیوا و والریا، عشق والریا را از انفعال بسمت شخصیتی پویا سوق میدهد ولی همواره درونی پراضطراب و آکنده از سرزنش و گناه دارد که با تعویض چندباره جای دفترچه و پنهان کردنش، نمود مییابد. والریا زنی است

که خود را وقف همسر و فرزندانش کرده است. او همواره می‌ترسد که شهرت خود و سرمایه نمادین متقدم فداکاری را نزد آنها از دست بدهد. طبق نظریه بورديو سرمایه‌های نمادین تغییرپذیرند و والریا افتخار و پرستیژ نمادین را که هر زنی بعد از ازدواج در فضای اجتماعی و مقام مادری و همسری بدست می‌آورد، در میان اعضای خانواده ندارد. «گه‌گاه اتفاق می‌افتد قبل از اینکه میشل و بچه‌ها برای شام به خانه بیایند نیم‌ساعتی چرت بزنم و یا در راه اداره تا خانه ویت‌رینهای مغازه‌ها را تماشا کنم. هرگز چیزی به آنها نمی‌گویم. می‌ترسم ... آن وقت دیگر آن شهرت را که من همه وقت‌م را صرف خانواده می‌کنم از دست بدهم.» (همان: ص ۲۹). والریا با سلطه اجتماعی همدستان شده و با پنهانکاری در حفظ این سرمایه نمادین احترام و شهرت میکوشد. «هرگز بیاد نمی‌آورم اینطور که میرلا جواب مرا پس می‌دهد به مادرم جواب داده باشم.» (همان: ص ۴۵). بخاطر نداشتن تمکن مالی در فضای اجتماعی خانواده، سرمایه نمادین متقدم محبت و پرستیژ و اعتبار مادری بازتولید منفی دارد. اگرچه عشق میتواند سرمایه جدید نمادینی را خلق کند، اما در انتها والریا از عشق و دفترچه میگذرد و در مقابل سرنوشت خود تسلیم میشود و به همان زندگی سابق رضایت میدهد. او در سایه سرمایه متقدم، ظاهری و سنت کمرنگ همسری و مادری از هویت خودش (والریا) میگذرد و بعنوان «ماما» به زندگی خود ادامه میدهد. حکایت زندگی والریای داستان دس‌پدس که در ایتالیا زندگی میکند، از خیلی جهات با زندگی شیوا در رمان وفی برابری میکند. نبود عشق در زندگی مشترک هر دو همدوش یکدیگرند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر براساس آرای پیر بورديو جامعه‌شناس مطرح معاصر در بررسی جامعه‌شناسی رؤیای تبت از وفی و دفترچه ممنوع از دس‌پدس، به تقدم و تأخر سرمایه‌های شخصیت «زن» می‌پردازد. با بررسی سرمایه‌های شخصیت‌های زن در رمان وفی، تقدم سرمایه فرهنگی (تحصیلات و مطالعه کتاب) در شخصیت شیوا و شعله باعث شده به دو شخصیت فرهیخته و اجتماعی تبدیل شوند. هر دو خواهر در فضای اجتماعی و جایگاه خانوادگی از احترام و پرستیژ و سرمایه نمادین بالایی برخوردار هستند و تقدم این سرمایه و تأخر سرمایه اقتصادی بچشم می‌آید که در سایه سرمایه متقدم فرهنگی و در کنار آن سرمایه متقدم اجتماعی به بازتولید سرمایه‌های نمادین نوینی می‌پردازد، ولی منجر به خلق سرمایه اقتصادی دیگری نمیشود. در رمان دفترچه ممنوع تأخر سرمایه اقتصادی بر روی دیگر سرمایه‌های خانواده راوی سایه می‌افکند و همه آنها مشکل مالی و اقتصادی را اصلیت‌ترین معضل اجتماعی میدانند و در پی دستیابی به سرمایه اقتصادی متأخر میکوشند. آنها از سرمایه متقدم فرهنگی (تحصیلات آکادمیک) خود کمک میگیرند تا بتوانند جایگاه و طبقه اجتماعی خود را ارتقا بخشند و سرمایه‌های بیشتر اقتصادی، اجتماعی و نمادین کسب کنند. در قیاس بین دو رمان درمیابیم که زنان رمان وفی در سرمایه‌های متقدم فرهنگی و اجتماعی از زنان رمان دس‌پدس پیشی گرفته‌اند. در میدان اقتصادی زنان هر دو رمان تقریباً از سرمایه‌های اقتصادی نزدیک به هم برخوردارند. جدا از فروغ که بواسطه میراث صاحب سرمایه چشمگیری است، بقیه زنان دو رمان، حتی دو زن کارمند (والریا و شعله) و مادر شیوا (که حقوق‌بگیر بازنشسته است) نیز از سرمایه‌های اقتصادی کمتری برخوردارند. در فضا و میدانی که بر سرمایه‌های نمادین تأثیرگذار است، زنان رؤیای تبت از سرمایه‌های نمادین متقدم احترام، پرستیژ و عشق (مادر صادق) بیشتری نسبت به زنان دفترچه ممنوع بهره‌مند هستند و شیوا نیز سرمایه جدید عشق را جایگزین سرمایه قدیمی و متقدم پرستیژ و اعتبار و وفاداری میکند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات استخراج شده است. سرکار خانم دکتر ساره زیرک راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم طیبه حاجی محمدی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر مهرداد نوابخش نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Bon Witz, Patrice. (۲۰۱۲). *Lessons from Pierre Bourdieu's Sociology*, Second Edition, Tehran: Agah, p. ۶۸.
- Bourdieu, Pierre. (۲۰۰۷). *Science and Reflection*, translated by Yahya Emami, Tehran: Scientific Policy Research Center, p. ۸۰, ۱۳۶.
- Despodes, Alba. (۲۰۱۸). *Forbidden Booklet*, Fifth Edition, Tehran: Badihe.
- Dubois, Simon. (۲۰۱۵). *Second Material*, Volume One, Translated by Qasem Sanavi, Thirteenth Edition, Tehran: Toos, p. ۱۵, ۲۴۳.
- Fakuhi, Nasser. (۲۰۱۹). *History of Anthropological Thoughts and Theories*, Twelfth Edition, Tehran: Ney Publishing, p. ۳۰۰.
- Fazeli, Mohammad. (۲۰۰۳). *Consumption and lifestyle*, Qom: Sobh Sadegh, p. ۳۸.

- Grenfell, Michael. (۲۰۱۰). Key Concepts of Bourdieu, translated by Mohammad Mehdi Labibi, second edition, Tehran: Afkar.
- Mohseni, Manouchehr. (۲۰۰۷). A Study in Cultural Sociology of Iran, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication, p.۳۰۰.
- Momtaz, Farideh. (۲۰۰۴). Introducing the concept of class from Bourdieu's point of view, *Journal of Humanities*, Nos. ۴۱ and ۴۲, Spring and Summer, pp. ۱۴۹-۱۶۰.
- Namdar Joymi, Ehsan. (۲۰۱۴). A Study of the Relationship between Cultural Capital, Social Capital and Symbolic Capital with Consumer Behavior in the Garment Industry (A Case Study of the Citizens of Isfahan), University of Expertise, p.۵۰.
- Schweire, Christine and Fontaine, Olivier. (۲۰۰۶). Bourdieu's words, under the supervision of Jean-Pierre Zardeh, translated by Morteza Katabi, Tehran: Ney Publishing.
- Vafi, Roya. (۲۰۱۸). Tibetan Dream, ۲۱st Edition, Tehran: Markaz Publishing.
- Zarlaki, Shahla. (۲۰۰۳). Women Against Women, Tehran: Farhang Kavosh, p.۱۲۱, ۱۲۲.

فهرست منابع فارسی

- بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- بررسی رابطه سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین با رفتار مصرف‌کننده در صنعت پوشاک (مطالعه موردی شهروندان شهر اصفهان)، نامدار جویمی، احسان (۱۳۹۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلام.
- تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، فکوهی، ناصر (۱۳۹۸). چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی.
- جنس دوم، دوبووار، سیمون (۱۳۹۴). جلد اول و دوم، ترجمه قاسم صنعوی، چاپ سیزدهم، تهران: توس.
- درسهایی از جامعه‌شناسی پیر بوردیو، بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۱). چاپ دوم، تهران: آگه.
- دفترچه ممنوع، دسپردس، آلبا (۱۳۹۷). چاپ پنجم، تهران: بدیهه.
- رؤیای تبت، وفی، رؤیا (۱۳۹۷). چاپ ۲۱، تهران: نشر مرکز.
- زنان علیه زنان، زرلکی، شهلا (۱۳۸۲). تهران: فرهنگ کاوش.
- علم و تأمل‌پذیری، بوردیو، پیر (۱۳۸۶). ترجمه یحیی امامی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- مصرف و سبک زندگی، فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، قم: صبح صادق.

معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو، ممتاز، فریده. (۱۳۸۳). پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۱ و ۴۲، بهار و

تابستان ۸۳، صص ۱۶۰ – ۱۴۹.

مفاهیم کلیدی بوردیو، گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). ترجمه محمد مهدی لیبی، چاپ دوم، تهران: افکار.

واژگان بوردیو، شویره، کریستین و فونتن، اولیویه (۱۳۸۵). زیر نظر ژان پیر زرده، ترجمه مرتضی کتبی، تهران:

نشر نی.

معرفی نویسندگان

طیبه حاجی محمدی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: hajimohammadi2401@gmail.com)

ساره زیرک: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Sare.Zirak@gmail.com : نویسنده مسئول)

مهرداد نوابخش: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Mehrdad.navabakhsh@gmail.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Tayyebah Haji Mohammadi: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: hajimohammadi2401@gmail.com)

Sara Zirak: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: Sare.Zirak@gmail.com : Responsible author)

Mehrdad Navabakhsh: Professor, Department of Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: Mehrdad.navabakhsh@gmail.com)